



بی‌جهت از گذشته علمی خود تمجید می‌کنیم/ چرند بودن بسیاری از کتب علمی قدیمی

حجت الاسلام رسول جعفریان با مرتبط دانستن افول تمدن اسلامی با عدم درک صحیح از علم در این تمدن گفت: ما مدام با آمار دادن درباره کتب قدیمی علمی مان از خودمان تمجید می‌کنیم، در حالی که بیشتر آنها چرندیاتند!

حجت الاسلام رسول جعفریان با مرتبط دانستن افول تمدن اسلامی با عدم درک صحیح از علم در این تمدن گفت: ما مدام با آمار دادن درباره کتب قدیمی علمی مان از خودمان تمجید می‌کنیم، در حالی که بیشتر آنها چرندیاتند! به گزارش خبرنگار مهر، نشست دیگری از سلسله نشست های الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت عصر روز یکشنبه 8 بهمن با سخنرانی حجت الاسلام رسول جعفریان در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران برگزار شد.

جعفریان در ابتدا گفت: در این سخنرانی کتابی را مبنا قرار می‌دهم با عنوان «عجایب المخلوقات»؛ که نسبتاً اثر مهمی در تمدن و علم اسلامی محسوب می‌شود و به لحاظ زبان فارسی نیز اهمیت دارد اما پیش از سخن درباره این کتاب باید مقدماتی را درباره تاریخ علم در تمدن اسلامی بیان کنم. ما در بحث تاریخ علم مدام در پی تمجید از خود هستیم.

وی افزود: مباحث مربوط به انحطاط تمدن اسلامی در دو دسته جای می‌گیرند که یک دسته از آن معطوف به مبحث ضعف در حوزه فرهنگ و تولید علم است و دسته دیگر معطوف به عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. درباره مباحث دسته نخست مطالب فراوانی مانند جنگ های داخلی، نظام های سیاسی متشتت یا ملوک الطوائفی بیان شده است. حال باید دید تمدن اسلامی به دلیل ضعف حکومت ها دچار انحطاط یا پیشرفت شده یا به دلیل عدم درک علم در مدارس چنین شده است. بحث من معطوف به ضعف شناخت علم در تمدن اسلامی است.

این مدرس تاریخ اسلام به ضعف رشته تاریخ علم در تمدن اسلامی اشاره کرد و گفت: رشته تاریخ علم پس از قرون چهارم و پنجم و توجهات کم و بیش فارابی و ابن سینا به آن، به طور جدی مورد توجه قرار نگرفت و تنها عده ای آن را به صورت تکراری و بی خاصیت مورد توجه قرار دادند. اکنون نیز به رشته های تاریخ علم و تاریخ فلسفه به طور جدی توجه نمی‌شود. نخستین کسی که فلسفه و تاریخ علم را مطرح کرد سیدحسین نصر بود و به همین دلیل شاید این رشته به نوعی رنگ و بوی سیاسی نیز به خود گرفته باشد.

وی با انتقاد از خودتعریفی در بحث تاریخ علم گفت: وقتی ما درباره تاریخ علم سخن می‌گوییم قصدمان آسیب شناسی نیست بلکه بیشتر در پی تعریف و تمجید از خودمان هستیم. همواره آمارهایی را از کتاب های آن دوران می‌دهیم و بیان می‌کنیم که مثلاً ما در حوزه پزشکی چند هزار نسخه کتاب داشتیم، در حالی که بیش از نود درصد این کتابها جز مثنی خرافات و مزخرفات نیستند. بسیاری از کتاب های علمی ما چرندیات هستند.

وی ادامه داد: علم نجوم ما نیز همین گونه است. بیشتر کتاب هایی که در تمدن اسلامی درباره نجوم نوشته شده اند، موضوعات غیرعلمی مانند احکام نجوم، تنجیم، پیشگویی و حرف های بی اساس را شامل می‌شوند. حال ما به دنبال چاپ های احتمالی این کتابها در اروپای قدیم نیز می‌گردیم تا بگوییم این آثار در اروپا نیز تدریس می‌شدند تا از این طریق بیشتر از خودمان تعریف کرده باشیم.

جعفریان با اشاره به اینکه ضمن توجه اندک به تاریخ علم، درباره تاریخ اقتصادی و اجتماعی با نگاه فرهنگی مطلقاً کاری نکرده ایم گفت: ما همواره به افتخار می‌گوییم که قرآن 750 بار به مفاهیم علمی اشاره کرده است و به روایت های مربوطه نیز اشاره می‌کنیم، در حالیکه کار جدی را در علم انجام نمی‌دهیم و هنوز شروع نکرده ایم. ما تمجید از علم و علم آموزی زیاد داریم ولی این مشکل ما را حل نمی‌کند و پاسخ ابهامات ما را در علم نمی‌دهد. ما اطلاعات چندانی به علم یونانی نیفزودیم.

وی افزود: کسی با توصیه راهش را ادامه نمی‌دهد، بلکه تنها می‌تواند شروع کند، این در حالی است که ما پس از هشتصد سال تنها توانستیم از معلوماتی که یونانی ها به ما دادند فراتر برویم یا اصلاً نتوانستیم. اروپاییان استفاده زیادی از متون ما کردند اما حقیقت این است که ما وارث یونانیان بودیم و این میراث را با یک مقدمه و اندکی اطلاعات بیشتر به غربی ها پس دادیم. اینکه ما تا چه اندازه توانستیم حصارهای علم را بشکنیم و از دایره پیشینیان خارج شویم موضوع بحث من است. مقصود این نیست که علم در تمدن اسلامی در حد صفر است اما به هر حال این بحثی است که با تامل در متون علمی قدیم ما قابل بررسی است.

رئیس پیشین کتابخانه مجلس با تاکید بر اینکه وجود اندیشمندان نادر در تمدن اسلامی را نباید به منزله وجود جریان های فکری در آن دوران بدانیم گفت: ابن هضم اندلسی سخنان قابل تاملی درباره جایگاه عقل دارد و ابن خلدون نیز بسیار از او تاثیر گرفته است،

اما ابن هضم یک استثنا در دوران خود بود، زیرا آگاهی عمومی مغرب اندلس در آن دوران بسیار با تفکرات او فاصله داشت. بخش زیادی از کتب قدیمی ما مزخرفاتند.

وی افزود: ابن خلدون که به یک جریان تبدیل شد حتی یک وارث به درد بخور هم ندارد. در واقع ابن خلدون را اروپایی‌ها فهمیدند و به مسلمانان معرفی کردند مانند ما که یونانی‌ها را به آنان معرفی کردیم. ابوریحان نیز چهره شاخصی در علوم نظیر دین‌شناسی مقایسه‌ای بود اما راه وی را کسی ادامه نداد. مقصودم این نیست که اصلاً دستاوردهای نوین در علم نداشتیم زیرا هنوز هم متون امیدوارکننده و شاخص از گذشته پیدا می‌شوند. اما واقعیت است که طبق همین متون ما تا قرن‌ها حتی از حصار فلسفه ارسطویی و طب جالینوسی و بقراطی خارج نشده بودیم.

این مدرس دانشگاه ادامه داد: هیئت ما همان هیئت بطلمیوسی بود، مزخرفاتی که جز خسوف و کسوف اطلاعات مهم دیگری در چنته نداشت. با وجود پیشرفت‌هایی که در قرون چهارم و پنجم در جغرافیا داشتیم اما واقعیت این است که اگر مجموعه علم نجوم در تمدن اسلامی، در حد تاثیرگذاری اختراع تلسکوپ نیست. مقصودم این سخنان این است که آمار دادن فایده ندارد، بلکه باید ببینیم حرکت و فکر دانشمندان نادر مانند ابوریحان تا چه اندازه در تمدن اسلامی عمومی شد و رواج یافت.

جعفریان با اشاره به ادعای برخی از افراد مبنی بر اینکه نظام دینی جایی برای تفکر باقی نمی‌گذارد گفت: «؛آرامش دوستدار"؛ کتابی با عنوان «؛امتناع تفکر دینی"؛ نوشت که البته کتابی سیاسی است. وی در این کتاب بیان می‌کند که در نظام دینی جایی برای تفکر نیست و صرف اینکه متدین باشیم فکری باز نخواهیم داشت. به اعتقاد وی ما متهمیم به جهت اینکه در هزار سال گذشته به دلیل تحکم آرای کلامی و فلسفی که رنگ دینی داشت، تامل جدی در نظام آفرینش نداشتیم زیرا گمان می‌کردیم که تفکر در نظام آفرینش ممکن است باور دینی ما را متزلزل کند. ما باید برای ادعاهای این نویسنده جواب پیدا کنیم اما به نظرم تا حالا کار جدی برای پیدا کردن این جواب انجام نداده ایم.

وی افزود: ما با تکیه بر تفکر ارسطویی، شناخت کلیات را بهترین نوع شناخت دانستیم و به استقراء توجه نکردیم. مقصودم این است که ما باید پاسخ این ابهام را بدهیم که بحث امتناع ما از تفکر به چه شکل بوده است. البته این کتاب برخوردی کاملاً سیاسی داشت زیرا به هرحال افراد متدینی نیز بودند که راه را برای تفکر باز کردند.

جعفریان در بخش دیگری از سخنانش گفت: حمله غزالی به تحصیل علم، استدلال و همچنین ترویج تصف از سوی دیگر کمتر از حمله مغول به ما ضربه زد. فلسفه صدرایی در معرفت‌شناسی بر مساله وجود ذهنی تاکید می‌کند، اما تاکید بر این مساله هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. شاید بر من خرده بگیرند که فلسفه صدرایی را نمی‌شناسم اما به هر حال برخی مسایل بدیهی است. معرفت‌شناسی صدرایی ما را در مواجهه با دنیا و در واقع نمایی تفکر کمک نمی‌کند.

وی افزود: ما تا پیش از اینکه دکارت بحث معرفت‌شناسی خود را مطرح کند خواب بودیم، تا پیش از آن جز بحث وجود به هیچ بخشی از معرفت‌شناسی توجه نکرده بودیم. ما تازه حدود پنجاه سال پیش بحث گفتمانی مانند هرمنوتیک را مورد توجه قرار دادیم و اکنون بر سر فهم و نقد آن مسابقه گذاشته ایم. بیندیشیم شرقی و غربی کردن علوم به ابهامات ما پاسخ می‌دهند؟

جعفریان با اشاره به بومی‌سازی علم گفت: این بحث جای صحبت و تامل دارد. چندین سال پیش مرکزی در قم با هدف بومی‌سازی علوم تاسیس شد که سعی در اسلامی‌کردن فیزیک و شیمی داشت! یادم هست که عده‌ای به طنز بحث تراکتورسازی اسلامی را هم مطرح می‌کردند. هنوز هم این مباحث جریان دارند. باید با خود بیندیشیم که با شرقی و غربی کردن علوم ابهامات ما درباره علم حل شدند یا به ابهامات اضافه شد.

وی تاکید کرد: مردم منتظر نمی‌مانند تا ما علوم مخصوص خودمان را در دانشگاه‌ها تولید کنیم، آنها اگر به علمی نیاز داشته باشند از زیر سنگ هم که شده آن را کسب می‌کنند. علمی که همراه با آبادانی باشد نداشتیم.

جعفریان در ادامه گفت: باید ببینیم چرا انقلاب علمی در تمدن اسلامی اتفاق نیفتاد. متون قدیمی مزخرف را در دوره‌های طولانی تدریس کردیم و علمی که همراه با آبادانی و عمران باشد را نداشتیم. ما در سی سال گذشته هیچ توجهی به معرفت‌شناسی و تاریخ علم نداشتیم و بیشتر کار ما در این حوزه ترجمه است.

وی سپس به کتاب «؛عجایب المخلوقات"؛ نوشته زکریا بن محمد بن محمود کمونی قزوینی اشاره کرد و گفت: این اثر در قرن ششم که حاصل تمدن اسلامی بود نوشته شد. در آن دوران علوم طبیعی و ریاضی وجهه خود را به دست آورده بودند. این اثر در واقع دایره‌المعارفی است که در سال 560 هجری قمری نوشته شد. در این اثر یک طبقه بندی او معرفی از علوم ارائه شده است. این کتاب‌ها نگاه خاصی به مخلوقات و عالم دارند و بسیار هم مورد قبول عام هستند.

جعفریان با اشاره به فراوانی این کتاب ها گفت: نویسنده کتاب «عجایب المخلوقات« خرافات را هم در کتابش بیان کرده است و البته اذعان به خرافات بودن آنها دارد. حیوان شناسی، جواهرشناسی، پزشکی و نجوم بخش های مختلف این کتابند که البته خواندن بسیاری از مطالب آن ما را به تعجب وامی دارد. کتاب دیگری با عنوان «الحیوان« در علم پزشکی در قرن هفتم نوشته شد که حتی یک کلمه از آن به وجهه علمی ندارد. همین کتابها دست مردم می چرخید و منبع معارف آنها می شد. مردم ما عقایدشان را از پای منبر می گیرند نه از مدارس.

وی ادامه داد: این اثر که ما آن را به عنوان نمونه ای از دایره المعارف های آن دوران برگزیده ایم، به لحاظ روشی نیز مشکل دارد و برخی مطالب غیرعلمی را با متصل کردن آنها به احادیث باور می کند. هزار سال پیش شیخ صدوق در پایان «الاعتقادات« بیان می کند که بسیاری از احادیث که مورد استناد اخباری ها بودند پایه و اساس ندارند، اما ما اکنون هنوز هم بسیاری از این احادیث را جزو دین می دانیم.

جعفریان در بخش دیگری از سخنانش تاکید کرد: مشکل ما این است که فکر می کنیم بحث علم و دین را حل کرده ایم. ما در علوم انسانی بسیار بسته تر عمل کرده ایم و با وجود نگاه شگفتی که به این حوزه داریم هنوز مبانی جامعه را نشناخته ایم. هنوز هم گمان می کنیم در شناخت جامعه باید حتما نگاه دینی داشته باشیم، در حالی که نباید عشق بیش از حد به یک امر مانند دین سبب شود که همه چیز را در قالب آن قرار دهیم. ما هنوز در بحث جوهر و عرض مانده ایم.

وی ادامه داد: ما هنوز در بحث جوهر و عرض مانده ایم و نتوانستیم یک دوچرخه بسازیم. هنوز عده ای پیدا می شوند که سعی دارند بگویند هر یک از علوم توسط پیامبران آغاز شد و برای مثال کشتی سازی با حضرت نوح و خیاطی با فلان پیامبر آغاز شد. برخی ماند نویسنده همین کتاب به دلیل اراداتشان به دین مدام سعی دارند همه چیز را به دین نسبت دهند تا از این طریق دینداری خود را ثابت کرده باشند.